



شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۸۴۸
www.hammihanonline.ir



طرح مناره

مقاله **محمد جواد ظریف** و محسن بهاروند در گاردین درباره همکاری منطقه‌ای و حرکت به سوی خلیج سلاح



نگرانی برای یادگار چنارستان

درخواست کارشناسان محیط زیست و کنشگران شهری برای توقف طرح بهسازی جوی‌های ولیعصر



آرایش جدید

یادداشتی از **حمیدرضا جلالی‌پور** درباره وضعیت و تعیین‌کنندگی نیروهای سیاسی پس از جنگ



کمیته موازی علیه مذاکرات؟

بررسی اظهارات اخیر علی اکبر صالحی و گفت‌وگویی با ابراهیم رحیم‌پور

در اولین سالگرد ریاست جمهوری

پزشکیان:

بدجووری

گیر افتادیم

بدترین و بهترین شرایط برای پزشکیان

آقای پزشکیان بر همان سیاق گفتاری و صداقتی که دارند؛ در سفر اخیر به زنجان نکته‌ای را گفت که پرداختن به آن ضروری است. پزشکیان گفت: «دولت‌ها گیرند و ما هم بگیریم، ما که بدجووری هم گیر هستیم. از روزی که هستیم مصیبت می‌یارد و دست‌بردار هم نیست. تا می‌خواهیم به یک ساحل برسیم مصیبت دیگری می‌آید، ولی ما تا آخر هستیم. شور و شوقی که در مردم ایجاد شد سرمایه بزرگی است. باید تلاش کنیم این شور و شوق را حفظ کنیم و با مردم درباره مشکلاتی که گرفتار آن هستیم راه‌حل پیدا کنیم.» واقعیت این است که اغلب ناظران و حتی اعضای ستاد انتخاباتی آقای پزشکیان متذکر شده بودند که شما از جهتی در بدترین و از جهت دیگر در بهترین شرایط ممکن رئیس‌جمهور شده‌اید. چرا در بدترین شرایط؟ چون تمام آمارها و ارزیابی‌ها نشان می‌داد که ناترازی‌های موجود کشور از یک‌سودر حال تشدید هستند و از سوی دیگر به مرزهای غیرقابل تحمل رسیده‌اند. اعم از ناترازی‌های اقتصادی، زیست‌محیطی یا سیاست داخلی و خارجی و در خط مقدم همه آنها، ناترازی‌های مدیریتی است که به دلیل حذف افراد واجد صلاحیت و آوردن افراد کوچک برای کارهای بزرگ سایر ناترازی‌ها را هم تشدید کرده‌اند. ولی از جهتی هم باید به ایشان گفت که در بهترین شرایط، رئیس‌جمهور شدید. چون دیگر ظرفیت عوام‌فریبی و خوابیدن روی پول نفت و جهالت و شعارهای پوچ دادن تمام شده بود و حباب مدیریتی کشور با سوزن واقعیت ترکیده و هوای آن به کلی تخلیه شده است. بنابراین، آنچه در این یک‌سال رخ داد، غیرمنتظره نبود. اگرچه جزئیات اتفاقات رخ داده به راحتی قابل پیش‌بینی نبود؛ ولی کلیات آن کاملاً قابل انتظار بود و باید برای مقابله با آنها راه‌حلی می‌داشتید و امروز نمی‌توان منتظر پیدا کردن راه‌حل بود. آن راه‌حل کدام است؟ وضعیت ایران به گونه‌ای است که هیچ‌کدام از مسائل آن رانمی‌توان باتوجه به ابعاد و ظرفیت‌های همان مسئله حل کرد. در واقع، مسئله آب، برق، انرژی و بنزین و... مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاست داخلی و خارجی به شدت در هم تنیده شده‌اند و برای حل همه این موارد ابتدا باید در رویکرد کلان اداره امور، اصلاحاتی انجام داد. البته همین‌طور که گفته‌اید شور و شوق در جامعه هست تا همراهی کند؛ به شرطی که برداشتن گامی مثبت را از جانب سیاست‌گذاران ببینند. در واقع، اگر یک گام به سوی حل مسائل برداشته شود، مردم دو و چند گام همراهی خواهند کرد. پرسش پیش روی دولت این است که چرا در این یک سال نتوانستید حتی گامی کوچک به سوی حل ناترازی انرژی و به‌طور مشخص بنزین و اصلاح قیمت آن بردارید؟ آیا این مسئله هم فاقد راه‌حل بود؟ به‌طور قطع، راه‌حل فنی و موردی ندارد. ← P

سرمقاله

